

مرا تاییدکن لطف

آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا برخی از دختر و پسرهای نوجوان وقتی از مدرسه به خانه برمی‌گردند بلافاصله به اتاق‌شان می‌روند و خارج نمی‌شوند مگر آن‌که به اصرار پدر و مادر و برای غذا خوردن باشد؟



آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا برخی از دختر و پسرهای نوجوان وقتی از مدرسه به خانه برمی‌گردند بلافاصله به اتاق‌شان می‌روند و خارج نمی‌شوند مگر آن‌که به اصرار پدر و مادر و برای غذا خوردن باشد؟
چرا برخی از آنان آرام و قرار ندارند و به بهانه گرفتن جزوه و کتاب خانه را ترک می‌کنند و تا دیر وقت خارج از خانه می‌مانند؟ چرا تعدادی‌شان پرخاشگر و ستیزه‌جو هستند و هیچ‌گاه همراه خانواده به گردش و تفریح نمی‌روند و می‌خواهند یا با دوستانشان اوقات را سپری کنند یا در اتاق‌شان در کنج تنهایی به سر ببرند؟ چرا به دنبال به‌روزترین سیستم‌های ارتباطی هستند و مدت‌ها با موبایل به رد و بدل پیامک یا چت کردن در اینترنت و فیس‌بوک می‌پردازند و حتی با خواهر و برادرشان ارتباط کم‌رنگی دارند؟ یا آن‌که چرا تمایل دارند در هنگام خروج از خانه خود را بیارایند و با جنس مخالف وارد رابطه شوند؟

آیا فکر کرده‌اید که ممکن است ناآرامی و بهانه‌گیری‌های نوجوان یا حتی جوان شما به دلیل این باشد که از چیزی رنج می‌برد و نوعی نیاز و کمبود موجب شده که از والدین فاصله گرفته و به دوستان و وسایل ارتباطی پناه ببرد؟
شیوا شریعت پناهی، کارشناس ارشد روان‌شناسی و عضو انجمن روان‌شناسان در این رابطه می‌گوید: والدین باید بدانند که فرزندان علاوه بر نیاز به خوراک و پوشاک، نیاز به توجه و تأیید شدن دارند و این توجه در سایه محبت شکل می‌گیرد. او می‌گوید در جامعه، قانون حکومت می‌کند، ولی در خانواده باید مهر و محبت حاکم باشد. اثر محبت در رشد روانی فرزندان مانند اثر نور و حرارت در رشد دانه گیاهان است. تا گرمی محبت به فرزندان یک خانواده نرسد آنان از نظر روانی و شخصیتی رشد خوبی نمی‌کنند.

شریعت پناهی تصریح می‌کند خانواده‌ای که از نظر عاطفی ضعیف است نمی‌تواند اعضای خود را به گرمی دور خود جمع کند و آنان را از انحرافات باز دارد. فرزندان در چنین خانواده‌ای چون استقلال بیان ندارند و نمی‌توانند راحت احساسات و مشکلات‌شان را با پدر و مادر در میان بگذارند و خود را خالی کنند، همواره با ترس، اضطراب و ناآرامی دست به گریبان هستند و اگر هم مشکل خود را به پدر و مادر بگویند درک نشده و همیشه توبیخ و تنبیه می‌شوند و همواره از سوی والدین بازخواست می‌شوند و در نتیجه آنان دوست دارند بیشتر به اتاق‌شان پناه ببرند تا از قیافه عبوس پدر و مادر و پند و اندرزهای تکراری آنان در امان باشند. این روان‌شناس می‌افزاید گاهی تحقیر کردن نوجوان موجب می‌شود که او پرخاشگر و خشن شود و حتی با خواهر و برادرش به جنگ و نزاع پرداخته و به آنها حسادت کند. تحقیر کردن ممکن است به صورت بی‌اعتنایی، مسخره کردن، ناچیز شمردن، اجازه صحبت ندادن و به صورت نسبت دادن صفات نامناسب و بی‌عدالتی از سوی پدر و مادر اعمال شود که به نوعی سبب می‌شود تا نوجوان، حقارت و بی‌توجهی را در خود احساس کند و از کمبود محبت رنج ببرد.

نوجوان نیاز به محبت دارد

شریعت پناهی با اشاره به این‌که نوجوان در این دوران بیش از هر زمان دیگر نیاز به محبت، توجه و تأیید شدن دارد می‌گوید، دختر جوانی که کمبود محبت دارد و نتوانسته از سوی والدین خود مورد توجه قرار گیرد، تمایل دارد با آراستن خویش و پوشیدن لباس‌های محرک نظر افراد بخصوص جنس مخالف را به خود جلب کند و از این طریق به نوعی مورد تأیید قرار گیرد. در واقع او به هرکسی که سر راهش قرار گیرد و به او اظهار محبت کند علاقه‌مند شده و می‌خواهد تمام کمبودها، مشکلات، بی‌مهری‌ها و اسرار درونی‌اش را با او در میان گذارد که متأسفانه در این میان با سوءاستفاده‌های جنسی و عاطفی و در نتیجه ناکامی و شکست و یاس روبه‌رو خواهد شد.

این روان‌شناس تأکید می‌کند همین کمبود در پسرهای نوجوان هم وجود دارد یعنی اگر با پسر نوجوان با خشونت رفتار شود و به نیازهایش توجهی نشود او پس از مدتی به دلیل کم‌تجربگی، دور بودن از واقعیت‌های زندگی، غوطه‌خوردن در رویاها، به سر بردن در دوران پرتلاطم روانی و غلیان‌های جنسی، برای رسیدن به آرامش و همدلی متوسل به دوستان ناباب، مواد مخدر و دوستی با جنس مخالف می‌شود و برای دوری از تنهایی و پرکردن اوقات خود به سایت‌های غیرمجاز اینترنتی یا برنامه‌های بدآموز ماهواره‌ای پناه برده و به نوعی معتاد این برنامه‌ها می‌شود. گاهی نیز بهانه‌گیر شده و با توسل به زور از والدین موتور، ماشین یا به روزترین سیستم‌های ارتباطی را می‌خواهد و در حقیقت در همین برهه از زندگی، به دلیل بی‌توجهی والدین بزرگ‌ترین صدمات را می‌خورد.

دوست‌داشتن داریم تا دوست‌داشتن

گاهی برخی والدین با شور و علاقه وصفناپذیری بیان می‌کنند که فرزندان‌شان را دوست دارند و تنها به عشق آنها زنده‌اند و زندگی‌شان را وقف آنان کرده‌اند. غافل از این‌که این دوست‌داشتن فقط در کلام است. شریعت پناهی با بیان این‌که والدین بچه‌ها را دوست دارند، اما این مساله کلیت ندارد و گاهی دیده می‌شود که پدر و مادر از فرزند متنفر می‌شوند می‌گویند، این تنفر عوامل مختلفی دارد. به طور مثال زمانی که فرزند مانع به هدف رسیدن پدر و مادر شود، مثلا موجب شود که والدین از کار، ادامه تحصیل یا رسیدن به شغل بهتر و یا بمانند یا آن‌که ممکن است پدر و مادر ضعیف باشند و خود نتوانند به منصب و مقامی نایل شوند و فرزند را عامل شکست تلقی می‌کنند. گاهی نیز فرزند برای والدین خسته‌کننده و پرهزینه می‌شود و از همه مهم‌تر والدینی که از سوی پدر و مادر خود مورد بی‌مهری قرار گرفته و طرد شده‌اند نسبت به فرزندان و آینده آنها بی‌علاقه و بی‌انگیزه بوده و گاهی به فرزندان حسادت کرده و با آنان به رقابت می‌پردازند.

توجه افراطی به دلیل احساس گناه

باید بدانید فرزندان هم که بیش از حد تحت مراقبت و توجه والدین قرار می‌گیرند همچون فرزندان بی‌مهری کشیده، دچار مشکلاتی می‌شوند. شریعت پناهی با اشاره به این‌که در شرایط کنونی والدین هر دو مشغول کار در خارج خانه هستند مجبورند رفتارهای خاصی را ارائه دهند که یکی از بدترین این رفتارها حمایت، رسیدگی و توجه افراطی به فرزند است. او می‌گوید: چنین والدینی به علت آن‌که احساس گناه از تنها گذاشتن فرزند می‌کنند، سعی دارند تا همه کارهای فرزندان را خود انجام دهند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به آنها پاداش دهند. مثلا در اختیار فرزندان پول زیادی قرار می‌دهند، خریدهای نابه‌جا می‌کنند، تکالیف آنها را انجام می‌دهند، زودتر از حد موعده موبایل و اینترنت در اختیارشان می‌گذارند، اجازه می‌دهند که با دوستان‌شان رفت و آمد بی‌قید و شرط داشته یا تا دیر وقت خارج از خانه باشند و در واقع می‌خواهند از این طریق بار گناه خود را کم کنند. در نتیجه چنین فرزندان یا بیش از حد وابسته می‌شوند یا از خود راضی و لوس و و پرتوقع بار می‌آیند و چون در جامعه به توقع آنها بهایی داده نمی‌شود مایوس و سرخورده می‌شوند. به گفته شریعت پناهی بی‌توجهی و توجه افراطی هر دو از ایجاد رابطه‌ای گرم و صمیمی می‌کاهد و صدمه‌اش به فرزند و دودش به چشم والدین می‌رود.

فاخره بهبهانی